



سجاد مغری / ایران

هنر ایرانی، زینت حسینیۀ امام خمینی (ره) میدان خراسان

روضه محتشم

یوسف حیدری
خبرنگار

به مجلس عزای حسین (ع) خوش آمده‌اید. این نوشته ورودی حسینیۀ امام خمینی (ره) تو را به حیاط کوچکی هدایت می‌کند که در آن از اولین روز محرم مجلس روضه در چهار نوبت برپا می‌شود. چند نفر جلوی در به عزاداران خوشامد می‌گویند. دیوارهای حیاط با تصاویری از شهدا، علما و ذاکران و پیرغلامان اهل بیت (ع) تزئین شده است. در گوشه حیاط بساط چای نذری برپا است و عزاداران قبل از ورود به حسینیۀ به جای پذیرایی می‌شوند. وقتی وارد حسینیۀ می‌شوی همان اول نمادهای ایرانی - اسلامی روی دیوار و علم و کتل‌های چوبی گوشه حسینیۀ چشم را خیره می‌کند. سخنران از واقعه عاشورا می‌گوید و عزاداران با اشک او را همراهی می‌کنند. اینجا خبری از نمادهایی که ارتباطی با فرهنگ ایرانی و اسلامی ندارند، دیده نمی‌شود. در نگاه اول، مجالس روضه خوانی تکیه‌ها و خانه‌های بزرگ قدیمی تداعی می‌شود؛ جایی که عزای حسینی یا نمادهای ایرانی - اسلامی برپا می‌شد و حال و هوای عزاداری خالص سنتی حاکم بود. هنر قلمکاری و پرچم دوزی استادان اصفهانی در کنار علم‌های چوبی مزین به دست هنرمندان نیشابوری حال و هوای خاصی به مجلس روضه داده است. «وقتی وارد حسینیۀ شدم با دیدن نمادهای ایرانی خودم را در مجلس روضه‌ای که پدر بزرگم تعریف می‌کرد، تصور کردم.» این را محمد می‌گوید و به یکی از کتیبه‌های روی دیوار اشاره می‌کند: «چند سالی است از اولین روز محرم به این حسینیۀ می‌آیم. هر روز چهار نوبت جلسه روضه برپا است و روح و جان مان اینجا سیراب می‌شود. پدر بزرگم همیشه از محرم سال‌های دهه ۱۳۲۰ برای ما می‌گفت. روزهایی که مجلس روضه در خانه‌های بزرگ حیاط‌دار برگزار می‌شد و مردم به تکیه‌هایی مثل تکیه سادات اخوی می‌رفتند. پدر بزرگم همیشه از نمادهای ایرانی و اسلامی مثل کتیبه‌ها و پرچم و علم‌هایی صحبت می‌کرد که با هنر ایرانی زینت همه مجالس عزاداری امام حسین (ع) بود. امروز هم وقتی دیدم برای تزئین حسینیۀ از نمادهای ایرانی استفاده شده احساس غرور کردم.»

مسئول هیأت الزهرا هم با اشاره به اینکه بهترین هنرها در ایران همواره در خدمت مساجد و حسینیۀ‌ها بوده به ابتکار مسئولان هیأت در استفاده از نمادهای ایرانی و اسلامی در برپایی عزای حسینی اشاره می‌کند و می‌گوید: «محررم در تاریخ ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. ما هم از اولین روز، مجلس روضه را در این حسینیۀ و در چهار نوبت برگزار می‌کنیم. چهار سخنران و چهار روضه خوان مجرب، ظهر، عصر و شام مجلس‌داری می‌کنند. یعنی تقریباً هر روز ۲۰ ساعت در این حسینیۀ مجلس عزاداری برپاست. درواقع به نیت ظهور امام زمان (عج) در دهه اول محرم ۴۰ جلسه روضه برگزار می‌کنیم. اما اینکه چرا در کنار نمادهای اسلامی از نمادهای ایرانی در تزئین حسینیۀ استفاده کرده‌ایم، طبیعی است که این به فرهنگ غنی ایران برمی‌گردد. در ایران همیشه بهترین هنرها در خدمت مساجد و حسینیۀ‌ها بوده است؛ هنر کاشیکاری، نجاری و معرق کاری توسط بهترین استادان در امکان مذهبی یا تکیه‌ها انجام شده که ما هم سعی کردیم از این هنرها در تزئین حسینیۀ استفاده کنیم. اما نکته مهم این است که متأسفانه استادان بزرگ این هنرها مهجور مانده‌اند و خیلی از مردم آنها را نمی‌شناسند. مثلاً همین علم‌های چوبی نیشابور که کنار منبر و در بالای حسینیۀ قرار داده‌ایم، توسط یکی از استادان بزرگ نیشابور ساخته شده است، هنری که ثبت میراث فرهنگی شده ولی خیلی از مردم آن را نمی‌شناسند. خیلی از مردم علم را با سازه‌های فلزی می‌شناسند که آن هم محترم است و خودمان نیز در حسینیۀ از این نوع علم هم داریم، درحالی که علم نیشابوری که با چوب ساخته می‌شود روی آن نقاشی و خطاطی می‌شود، علم ایرانی مبتنی بر فرهنگ مذهبی مردم نیشابور است. کتیبه نگاری و قلمکاری که روی دیوارهای حسینیۀ نصب شده است، توسط استادانی ساخته شده که فقط چند نفر آنها باقی مانده‌اند و نباید اجازه بدیم

این هنر اصیل ایرانی فراموش شود. برای محرم امسال سراغ این هنرمندان رفته‌ام و غلم نمادی است از درخت سرو، نمادی است از آزادی، سرافرازی و سربلندی. وقتی نام غلم به گوش می‌رسد همه یاد حضرت

عباس (ع) می‌افتند. کسی که علمدار سپاه امام حسین (ع) بود و تا لحظه شهادت اجازه نداد غلم سپاه بر زمین بیفتد. سید هادی علمدار آخرین نقش‌های روی علم را می‌کشد و آن را گوشه کارگاه قرار می‌دهد. وی یکی از آخرین بازمانده‌های ساخت علم نیشابوری است. وقتی می‌شنود هنر او را در حسینیۀ امام خمینی (ره) در میدان خراسان دیده‌ام از خوشحالی بغض می‌کند. می‌گوید ای کاش این هنر ایرانی که در خدمت اهل بیت (ع) است، زینت همه مجالس عزاداری ابا عبدالله (ع) شود:

«ساخت غلم در خاندان ما موروثی است. پدر و پدر بزرگ و جد من غلم می‌ساختند و من آخرین بازمانده خانوادۀ هستم که علم چوبی نیشابوری می‌سازند. تاریخ ساخت این علم در نیشابور به ۴۰۰ سال قبل برمی‌گردد. اسناد تاریخی که بجا مانده نشان می‌دهد استادان برجستۀ در این زمینه فعالیت می‌کردند. هر هیأت غلم خودش را دارد و غلم نشانه آن هیأت است که با دیدنش متوجه می‌شدی کدام هیأت عزاداری مثلاً به طرف بازار حرکت می‌کند. بنابراین غلم، آیت و نشانه‌ای برای هیأت‌های عزاداری است و هنوز هم این سنت در نیشابور اجرا می‌شود. هیأت‌های عزاداری در روز تاسوعا و عاشورا علم‌های چوبی بزرگ را جلوی هیأت به حرکت در می‌آورند و دسته عزاداری پشت آنها حرکت می‌کنند.»

اما این که چگونه شد علم سازی وارد خانواده علمدار شد و آنها سنت ساخت علم را زنده نگه داشتند، داستان جالبی دارد: «۱۵۰ سال قبل سید علی نقاش تنها کسی بود که علم چوبی می‌ساخت و این هنر را به کسی یاد نمی‌داد و می‌خواست این هنر نزد خودش باقی بماند. جد من چند بار پیش او رفت تا این هنر را یاد بگیرد اما هر بار دست خالی برمی‌گشت. بعد از چند سال سید علی نقاش نابینا شد و درآمدی نداشت. شب و روز جلوی مسجد جامع مجلس روضه می‌کند. تمام می‌شود عزاداران برای برپایی نماز جماعت آمده می‌شوند. مداح هیأت گوشه‌ای می‌نشیند و به کتیبه‌ای که اشعار محتشم کاشانی روی آن قلمکاری شده است خیره می‌ماند. جواد حیدری معتقد است، نمادها مفهوم عزاداری را به مردم منتقل می‌کنند: «در فرهنگ عزاداری برای امام حسین (ع) نمادهای مختلفی داریم که مفاهیم متعددی را به مردم منتقل می‌کنند. متأسفانه طی این سال‌ها از این نمادها غافل شده‌ایم و آنها را ریشه‌یابی نمی‌کنیم. من همیشه به مسئولان فرهنگی می‌گویم که ما باید یک موزه جهانی هیأت عزاداری داریم که قدمت برخی از آنها به هزار سال قبل برمی‌گردد. هر کدام از این نمادها قصه و روایت خودش را دارد. مثلاً سنگینی علم حکایت از سنگینی غم و اندوه ابا عبدالله (ع) دارد. قدیمی‌ها هنر را به خوبی می‌شناختند و به درستی از امکانات فرهنگی شهر و روستای خود در هیأت‌های عزاداری استفاده می‌کردند. این نمادها نباید فراموش شوند.»

غلم نمادی است از درخت سرو، نمادی است از آزادی، سرافرازی و سربلندی. وقتی نام غلم به گوش می‌رسد همه یاد حضرت



هر علم یک ماه زمان می‌برد. در نیشابور هر هیأت چند علم دارد که روزهای تاسوعا و عاشورا جلوی هیأت حمل می‌کنند. مراسم علم کشی در «خرو» یکی از معروف‌ترین مراسم‌های سنتی عزاداری در نیشابور است. روزهای تاسوعا و عاشورا همه هیأت‌ها علم‌شان را به خرو می‌آورند. علم ساخت پدر بزرگ من هم یکی از قدیمی‌ترین علم‌هاست که کنار ۱۰۰ علم دیگر به این شهر منتقل می‌شود. مراسم علم گردانی منطقه نیشابور ثبت میراث فرهنگی شده و مردم احترام خاصی برای آن قائل هستند. یکی از نذرهای مردم این منطقه ساخت علم است و بعد از مراسم عزاداری با علم به مزار شهدا در گشتگان می‌روند.

«دل زنده شد به ولای تو یا حسین (ع)» دارد جهان صفا به صفای تو یا حسین (ع)» استاد قالب چوبی را روی پارچه قرار می‌دهد و ضرب‌های به آن می‌زند. نوبت به خطوط درشت‌تری می‌رسد و قلم را برمی‌دارد: «باز این چه شورش است که در خلق عالم است... اشک از چشمانم سرازیر می‌شود. می‌گویند بزرگترین افتخارش مدالی است که اهل بیت (ع) به او داده‌اند و تا جان داشته باشد در این راه قلمکاری می‌کند. جواد عباد سیچانی وقتی می‌خواهد از تاریخ هنر قلمکاری بگوید به ادعاهایی که مصریان در این زمینه داشتند، اشاره می‌کند: «سال‌ها قبل وقتی باستان‌شناسان در بررسی مومیایی‌های اهرام تلاشه به لباس‌های قلمکاری شده



قلمکاری روی پارچه می‌گویند: «بعضی از خطوط قلمکاری را با رنگ طراحی و روی قالب می‌زنم و روی پارچه چاپ می‌کنم. این کار به دلیل فشردگی کار و ریز بودن بعضی از خطوط انجام می‌شود. اما بعضی دیگر از خطوط را با خط می‌نویسم. خیلی از این خطوط ذهنی است. در قلمکاری از خطوط ثلث و نستعلیق استفاده می‌کنند ولی در کارهای مذهبی بیشتر از خط ثلث. ابعاد آن هم بستگی به نوع سفارشی است که هیأت‌های عزاداری می‌دهند. در بسیاری از کارهای قلمکاری از اشعار محتشم که درباره اهل بیت (ع) سروده است، استفاده می‌کنیم. من عاشق کارم هستم و معتقدم وقتی کار برای اهل بیت (ع) باشد در کنار آن هم معرفت وجود داشته باشد، نتیجه کار بسیار عالی است.»



عزاداری امام حسین (ع) همین کتیبه‌هایی است که توسط استادان قلمکار طراحی و نگارش شده است. حسینیۀ سادات اخوی یکی از حسینیۀ‌های قدیمی تهران است که من سه سال برای این هیأت قلمکاری کردم و طرح‌های نیر، سرو، اژدر و فرشته را طراحی کردم. در کنار آن میناکاری و خاتم کاری هم انجام دادم. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد از حدود ۸۰۰ سال قبل هنر قلمکاری وارد فضای مذهبی شده است. من بیش از ۴۰ سال است قلمکاری را با تلفیق خط و نقاشی انجام می‌دهم. برای یک هنرمند دیدن آثار هنری‌اش در اماکن متبرکه بالاترین پاداش است. خوشبختانه کمتر حسینیۀ‌ای در کشور پیدا می‌شود که آثار قلمکاری هنرمندان ایرانی در آن نباشد. جواد عباد درباره شیوه

